

اول قرنتیان باب ۱۳

محبت

۴۱ اگر به زبانهای مردم و فرشتگان سخن گویم ولی محبت نداشته باشم، فقط یک طبل میان تھی و سنج پر سر و صدا هستم. ۴۲ اگر قادر به نبوت و درک کلیه اسرار الهی و تمام دانش‌ها باشم و دارای ایمانی باشم که بتوانم کوهها را از جایشان به جای دیگر منتقل کنم، ولی محبت نداشته باشم هیچ هستم! ۳ اگر تمام دارایی خود را به فقرا بدهم و حتی بدن خود را در راه خدا به سوختن دهم، اما محبت نداشته باشم، هیچ سودی عاید من نخواهد شد.

۴۴ محبت بردبار و مهربان است. در محبت حسادت و خودبینی و تکبر نیست. ۴۵ محبت رفتار ناشایسته ندارد، خودخواه نیست، خشمگین نمی‌شود و کینه به دل نمی‌گیرد. ۴۶ محبت از ناراستی خوشحال نمی‌شود ولی از راستی شادمان می‌گردد. ۴۷ محبت در همه حال صبر می‌کند و در هر حال خوش‌باور و امیدوار است و هر باری را تحمل می‌کند.

۸ نبوت از بین خواهد رفت و سخن گفتن به زبانها خاتمه یافته و بیان معرفت از میان می‌رود، اما محبت هرگز از میان نخواهد رفت. ۹ عطایایی مانند معرفت و نبوت، جزئی و ناتمام است. ۱۰ اما با آمدن کمال هر آنچه جزئی و ناتمام است از بین می‌رود.

۱۱ موقعی که بچه بودم حرفهای بچگانه می‌زدم و بچگانه تفکر و استدلال می‌کردم. حال که بزرگ شده‌ام از روشهای بچگانه دست کشیده‌ام. ۱۲ آنچه را اکنون می‌بینیم مثل تصویر تیره و تار آینه است ولی در آن زمان همه چیز را روبه‌رو خواهم دید. آنچه را که اکنون می‌دانیم جزئی و ناکامل است، ولی در آن زمان معرفت ما کامل خواهد شد یعنی به اندازه کمال معرفت خدا نسبت به من!

۱۳ خلاصه این سه چیز باقی می‌ماند: ایمان و امید و محبت، ولی بزرگترین اینها محبت است.